

①

دلیل کی باعث شہ (بن سورہ را انتی کہم دین یک ترجمہ بودہ کہ یاد ہم نفی آکر

ترجمہ ہے کسی بود اما باخوانہ (ہذا آہ کفکھا و ستم کہ آیات دارد در بارہ چہ کسی

صحت ہی کہہ کہ ہی گویند پس فکد کرد، پس فلان شہ و فلان کرد (اشارہ بہ آیات

۱۱۱ بعد) کہ اینقدر را جہ او دقیق شہ و تک تک لفظ ہائیں گفتہ شہ

در این قرآن عزیز و پر از حکمت با خود ہم گفتہ چہ چہ کہ آن را موضوع تحقیق

خود انتی کہم و صدقاری در آن عور کہ ہم اہد آنکہ خدا خورش عیانت کہہ تا نتیجہ

حاصل کردہ

عمل قرول سورہ در شہر مکہ است و نام سورہ از اول آن بہ ترفہ شہ و بہ از

سورہ عزمل نازل شہ است۔ در اوایل ہیئت پیامبر (ص) و بروایتکہ آن

زفانی است کہ مردم عرب نزد سرانہان کسانئ مثل ابو سفیان و ولید بن عقبہ و

جمع شہ ہ بودند و از آنہا در بارہ ظہور پیامبر جبرئیل سوال ہی پرسیدند و آنہا

در عاقله بودند که چه بگویند و باینکه بنگرند برای پاسخ عورت می کردند. البته

عوض عات عوره فقط به این ختم نمی شود بلکه شاملی هم می شود؛ البته اروا بدین

بیا می رسد (ص) و عبرت این برصائب، اشاره به دستاویز صفات حور حیان و

بمقتیان و می پر دازد و نیز اشاره دارد به جریان حاضر حواله آن رسول

حزار ص و ناراحتی ایشان پس دعوت به قیام آن حضرت.

ترجمه آیات اول به حکام: ای جامعهی خواب به خود بسجیه (و در بستر آرمیده)
↓ مصطفوی: ای کسی که بسجیه به لباسی فراخ و بلبه استراحت می کنی

عورت از واژه دته هست که در اصل فته تر بوده و اذغام نکره و عفتایس

بسجیه جامعه و پتو و اعمال آن به خود در هنگام خواب است که به قول

علامه این ملاحظت را می رساند مثل یا ایها المنزله البته بعضی معترضین

گفته اند منظور لباس نبوت است مثل لباس تقوی در قرآن و نبوت

بسیار به لباس شده است.

بعضی نیز گفته اند مراد از کوشه کبری و غیب آن بزرگوار است وجه مورد دلگیری

علاء اولی را اولی دانسته اند.

اما در تفسیر مخزن، اول آنکه درست است که مخاطب در این تفسیر بیخنده اما

در قرآن پیدا است که منظور رسول خدا (ص) است از حدیث، و به این درسته آرمین

بیامه (ص) معمران آرای زیاری داده اند.

گفته ای که از فضای حدیث برمی آید گانه بیامه (ص) عزالت نشینی کرده و قرآن

دستور بیرون آمدن و انده از کردن می دهد که در این تفسیر همان نتیجه شدن

بیامه (ص) از معرکان و عزالت گزینی او را بین آرا القاب کرده که از

فضای آن این برمی آید اما به هر حال حائقی دانسته شده صرفاً رسول خدا (ص)

عواب ~~بوجه~~ بوده اند یا می توانند آرای دیگری نیز باشد.

اگر قول نتیجه شده را قبول کنیم سوالی که برای من مخاطب پرس

في آية اين است كه: رسول الله (ص) با آن درجه از علم و بزرگواري و

رحمة الله عليهم بودن چگونگي توانه از صبر فائده عظيمت ناروا آن هم ساغر

خواندن ايمان الله متاثر سكونه به كودامي كه عزت كزيني كند؟

جواب به نظر بنده چي توانه آن باشد كه جنب تصويري كه ما از اهل بيت (ع)

و رسول خدا (ص) داريم بنايه تصويري ربابت كودا باشد. قرآن تصريح چي كند

كه آن بزرگواران نيز مانند ما بشر و انسان هسته ائمه انا بشر ما لکم برهه

الي ... و آن بزرگواران نيز فقط در عصمت به حد اعلي خود رسيد حاله و در

ساير صفات درسيه حكامله و كنه جبري برنده و آنان نيز مانند ما بندگان

غم دارند خصم دارند عوه حسني دارند براي همين هم چي كوديم بده!

يا صبر (ص) ناراحت نشو و طبق تفسير علامه حذر در مقام صلاحيت و دلداري

و خوت دادن به ايمان بر آمده و گفته تو تازه در اول راهي، و در ^{اول}

ادام کار دیکه سمت ترمی سکود

آیه ۲۱ مکارم: به خیزد آله ارکن (وعالیان رابع ده)

مصطفوی: مقام کن و ما موریت خود را انجام داده و مردم را به خیزدن از آلودگی های عادی

بیرون می گوید آله ارکن بیان لفظی که در باره چه چیزی می باشد؟ وجه موضوعی انذار

که چه و این در حقیقت برای بیان جموع است

معنی آله ارکن در معنای امره اخباره معنی تحویب می ان البتر افکاره
خبر سرور یعنی اخباری که در آن تری آله احسن است و بشارت اخباری را
به شوق خواننده است

آله ار باب افعال رفته به معنای تقدم که معقول به آن ذکر شده که علامه


تفسیری گفته مراد تنفی این است که آن جناب را امر به انذار که بدون اینکه

تظنی داشته باشد چه کسی پس معنای آن این است که به وظیفه آله ارعای کن

که علامه با رجوع به سایر نقاط قرآن معقول به آن را طبق آیه و انذاره تد

الاقربین و آیه ما ارسلناک الا کاف للناس برای محرم و ذکر کرده اند

و در این بستر یاد گرفته است با اینکه دعوت هر دو را لازم دارد این بدان
 جهت است که مورد موردی از سوره های ابتدای دعوت است و در ابتدای
 دعوت بستر اثر کاربرد دارد.

چیزی که در ذهن بیدار است این بود که چرا آثار بی اتفاقا در کارهای تربیتی
 و کارهای ^{در تئوری} و جذاب افراد از بستر  بستر استفاده ~~می شود~~ می شود تا آثار


خصوصا در ابتدای کار ایند علامه ^{مطرح} نمودن در ابتدای کار لازم بوده تا این

می خواسته ترم های بستر را به خود جلب کند چطور ^{با} قاعده احتیاطی

عقل است و عقل زنده زده می اعراب آن دوران را به خود ترم دهند تا آن ها

حرف نفس گفته میادار است باشد!

چیزی که در نظر بنده است این بود

الحمد لله ^۲ آیات تمام شد  رسمی کردم ترجمه تفسیر الهی اگر بوده باشد و با

⑦

Subject: Date:

ترجمہ حادلی کہہ رہے ہیں کہ خواہم بہ نیرنگان دین

نیروسی واروکنگ و آ رہ را ب کجده مخاطب می تزارم . و السلام علیکم ورحمة اللہ وبرکاتہ

۱۶، ۱۷، ۱۸، ۱۹، ۲۰

منابع ، تفسیر نور - المیزان - تفسیر روشن - معنونات رائف
المستجد - ترجمہ آیت اللہ مکارم - ترمیمی مصطفوی در تفسیر روشن